

جدالی بر مشاهیر و دانشمندان افغانستان

شاید قرنی گذشته باشد که ما افغان ها می‌شنویم و می‌خوانیم که اکثریت مشاهیر قابل افتخار تاریخ افغانستان ایرانی الاصل بوده اند و کشور ما در گذشته جزئی از خاک ایران شمرده میشد. درین ادعای ناقص مطبوعات ایرانی هیچگاه حدود و ثغوری نشناخته و همه را چه دانشمندان، شعرا، عارفان و اهل هنر و ادب بوده اند و چه شخصیت های اجتماعی و سیاسی و شهنشاهان و امپراتوران، کلاً ایرانی بوده اند. اگر قرار باشد که لستی تهیه نماییم، به یقین مثنوی هزار من کاغذ خواهد شد که از ابن سینای بلخی، رابعه بلخی، مولانا جلال الدین بلخی، خواجه عبدالله انصار، ناصر خسرو قبادیانی، استاد بهزاد ووو تا شهنشاه غزنه سلطان محمود، امرای غوریان، سلجوقیان ووو همه ایرانی بوده و صفحات تاریخ آنکشور را رونق میبخشند.

چندی قبل در فضای مجازی توجه مرا گفتگوی یک خانم از اهل مطبوعات ایرانی و مخاطب وی جلب نمود که مخاطب یک به یک اسمای مشاهیر افغانستان را ذکر میکرد و گرداننده پروگرام مختصراً آنان را به قسمتی از کشور ما منصوب دانسته و افغان معرفی مینمود که موجبات تعجب طرف مقابل را فراهم مینمود.

در پایان، مخاطب از خانم وبسایت پرسید که چرا مردم ایران و مطبوعات و معارف آن اینهمه مدت این شخصیت های تاریخی و افتخارات کشور دیگری را تاپه ایرانی زده اند؟ خانم جواب داد که جای تأسف است که مردم ایران چنین برداشت دور از حقیقت را عمری داشته اند، در حالیکه میشود امروز با موجودیت فعالیت انترنتی همه حقایق تاریخی را به سهولت افشاء نمود.

به همین اساس چند روز قبل نیز در صفحه ای از گوگل به جدال جالبی از ادعای یکی از چهره های امروز ایران در نشریه ای به نام عصر ایران برخوردم که نهایت جالب و حتی تعجب آور است. درین منبع، به مطلب آتی برخوردم که گویا بر ادعای «سید احمد علم الهدی» یکی از چهره های مذهبی اهل تشیع و صاحب رسوخ امروز ایران، سخت و نا امیدانه انتقاد می نماید:

(عصر ایران - هر چند اشتراکات تاریخی بین ایران و افغانستان وجود دارد و حسن همجواری ایجاب می کند با همسایه شرقی و مردمانش، مهربان و در تعامل باشیم ولی این سخنان علم الهدی، که اخیراً به طور گسترده باز نشر شده است، به ویژه «به خصوص» معنایی فراتر از ابراز یک نظر شخصی

می گیرد که در دوران دولت سیزدهم، تسهیلات خاصی برای حضور افغان ها در ایران داده شد و حتی تصاویر شناسنامه «تذکره» های ایرانی که برای شهروندان «اتباع» افغان صادر شده بود، در فضای مجازی جنجالی شد.

حال بماند که علم الهدی، هم مبالغه می کند و می گوید "همه" مفاخر ایران مال افغانستان هستند (گو این که ایران بزرگ جز مفاخری که محل تولدشان افغانستان کنونی است، شخصیت برجسته ای ندارد و هر چه داشته ایم به قول علم الهدی مال افغانستان بوده اند!)، هم اطلاعات غلط می دهد (مانند محل تولد ابن سینا که در بخارا است که ربطی به افغانستان ندارد و در ازبکستان است) و هم صورت مساله را معکوس کرده است چرا که افغانستان و ازبکستان و ... زمانی جزو ایران بود و همه این مفاخر نیز به همین دلیل ساده ایرانی بوده اند و تقسیمات ارضی بعدی، نافی ایرانی بودن آنها نیست.

عجیب است در روزگاری که کشورها می کوشند بر افتخارات خود بیفزایند، کسی در ایران پیدا شده و پشت تریبون مفاخر ایرانی را تقدیم دیگران می کند!

چرا؟ چون احتمالاً می خواهد سیاست عجیب و مرموز حضور گسترده افغان ها در ایران را تئوریزه کند! سیاستی که حتی به مناظره های انتخاباتی نیز رسید و رئیس مجلس که کاندیدای ریاست جمهوری شده بود، و عده داد برای کنترل حضور شهروندان افغان در ایران، دیوار مرزی بین ایران و افغانستان می کشد.

ای کاش علم الهدی، ایران را دوست می داشت! و ای کاش در زمینه ای که تخصص و سوادش را ندارد، حرف نزنند! و ای کاش همین گونه که با حرارت از مفاخر ایرانی متولد افغانستان و ازبکستان کنونی حرف می زنند، قدر مفاخر معاصر ایران را بدانند، یکی اش همین مریم میرزاخانی که همین چند روز قبل، سالروز درگذشتش در غربت بود.

زیاده عرضی نیست!

بر میگردیم که این شکوه و شکایتی که مطالعه نمودید بر ادعا ها و سخنان شخصیتی صورت گرفته است به نام «سید احمد علم الهدی» روحانی شیعه مذهب ایرانی که از ۱۳۹۴ به عنوان نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی تقرر حاصل نموده و از سال ۱۳۸۵ نماینده مجلس خبرگان رهبری از استان خراسان رضوی است.

چون بیانیه و ادعای شخص مذکور تنها از طریق ثبت ویدیویی در دسترس قرار گرفته است، سعی به عمل آمد تا حتی المقدور یک بیک گفتار وی در مورد ادعایش بر مشاهیر افغانستان تنظیم گردد.



سید احمد علم الهدی

"افغانستان قدیم، بخش عمده اش جزء خراسان بزرگ است. شما خراسان بزرگ را در جغرافیای قدیم بر رسی کنید، بخش بزرگ افغانستان در خراسان بزرگ شامل میشود.

نه افغانیم و نه ترک و تاتاریم

چمن زادیم و از یک نوبهاریم

تمیز رنگ و بو بر ما حرام است

که ما پرورده یک شاخساریم

ما با افغان ها یک عنصر، یک خون و یک نژادیم، شما ببینید تمام مفاخر ما در عرصه های علم و فرهنگ، همه از افغانستان بوده اند.

در مسئله جامعیت علمی روی کره زمین مردی مانند «ابن سینا» نیامده است؛ «ابن سینا» مال بلخ افغانستان بوده و در جامعه ایرانی مطرح است. در مسئله جامعیت علم و هنر، «فارابی» در هیچ ملیتی و هیچ امتی نیامده است و «فارابی» از افغانستان است که مفتخر ایران بشمار میرود.

در مسئله عرفان و ادب، تنها و یکه تاز این میدان «مولوی» است و «مولوی» که از مفاخر بزرگ ایران شناخته میشود، مربوط به افغانستان است و در آنجا بوده است!

در عرصه مرجعیت تا هنوز که هنوز است محضر های شیعه بر سر سفره اصول «آخوند خراسانی» زانو زده اند و از آثار علمی و برکات فقهی این مرجع بزرگ و این استاد مجتهدین استفاده میکنند. «آخوند خراسانی» هراتی بوده و از افغانستان است.

ما با افغانستان دشمن نیستیم، دشمن میخواید بین ما دویت را ایجاد کند. مقام معظم رهبری میفرماید که: "مفاخر علمی شرق اسلامی از مفاخر غرب اسلامی به مراتب بالا تر اند. ما در غرب مفاخر اسلامی مال اندلس و هسپانیا داریم و در شرق مفاخر ما همه مال افغانستان اند! همه به ایران بخاطر افغانستان منصوب میگردند... به خاطر بلخ و مزار شریف است که ایران وابسته به افغانستان شده است.

«*» - این شعر زیبای اقبال لاهوری را بعضاً به عوض چمنزادیم - چنین مینگارند: چمنزاریم و از یک لاله زاریم

ختم بیانیة ویدیویی سید احمد علم الهدی.

پایان

www.dawatmedia24.com